

سایت «موعود» مدعی است که اینشتاین با آیت اله بروجردی رابطه محرمانه داشته است
<http://www.mouood.org/content/view/6004/2/>

چگونه يك حديث، اینشتن را شگفت زده کرد؟

۰۳ دي ۱۳۸۶

«آلبرت اینشتین» فیزیکدان بزرگ معاصر، در آخرین رساله علمی خود با عنوان "دی ارکلارونگ - Die Erklarung به معنای بیانیه" که در سال ۱۹۵۴ در آمریکا و به زبان آلمانی نوشت، اسلام را بر تمامی ادیان جهان ترجیح داده و آن را کاملترین و معقولترین دین دانسته است.

این رساله در حقیقت همان نامه نگاری محرمانه اینشتین با مرحوم آیت الله العظمی بروجردی است. اینشتین در این رساله "نظریه نسبیت" خود را با آیاتی از قرآن کریم و احادیثی از کتابهای شریف نهج البلاغه و بحارالانوار تطبیق داده و نوشته است که هیچ جا در هیچ مذهبی چنین احادیث پر مغزی یافت نمی شود و تنها این مذهب شیعه است که احادیث پیشوایان آن نظریه ی پیچیده "نسبیت" را ارائه داده ولی اکثر دانشمندان آن را نفهمیده اند.

یکی از این حدیثها حدیثی است که علامه مجلسی در مورد معراج جسمانی رسول اکرم (ص) نقل می کند که: «هنگام برخاستن از زمین، لباس یا پای مبارک پیامبر به ظرف آبی می خورد و آن ظرف واژگون می شود. اما پس از اینکه پیامبر اکرم (ص) از معراج جسمانی باز می گردند مشاهده می کنند که پس از گذشت این همه زمان، هنوز آب آن ظرف در حال ریختن روی زمین است.» اینشتین این حدیث را از گرانبهاترین بیانات علمی پیشوایان شیعه در زمینه "نسبیت زمان" دانسته و شرح فیزیکی مفصلی بر آن می نویسد. اینشتین همچنین در این رساله "معاد جسمانی" را از راه فیزیکی اثبات می کند. او فرمول ریاضی معاد جسمانی را عکس فرمول معروف "نسبیت ماده و انرژی" می داند:

$$E = M.C^2 \gg M = E : C^2$$

یعنی اگر حتی بدن ما تبدیل به انرژی شده باشد دوباره می تواند عیناً به ماده تبدیل و زنده شود.

اینشتین در این کتاب همواره از آیت الله بروجردی با احترام و به لفظ "بروجردی بزرگ" یاد کرده و از شادروان پروفیسور حسابی نیز بارها با لفظ "حسابی عزیز" یاد کرده است.

اصل نسخه این رساله اکنون به لحاظ مسایل امنیتی به صندوق امانات سری لندن (بخش امانات پروفیسور ابراهیم مهدوی) سپرده شده و نگهداری می شود.

این رساله را پروفیسور ابراهیم مهدوی (مقیم لندن)، با کمک یکی از اعضای شرکت اتومبیل سازی "بنز" و به بهای ۳۰۰۰۰۰۰ دلار از یک عتیقه فروش یهودی خریداری کرد.

دستخط اینشتین در تمامی صفحات این کتابچه توسط خط شناسی رایانه ای چک شده و تأیید گشته است.

منبع: ماورای بهشت

در سایت موعود چشمم به مقاله فوق الذکر افتاد. نتوانستم از آن بگذرم. مقاله را خواندم و مدتی با خود فکر کردم که چرا آقایان تن به انتشار چنین مقاله ای دادند. اما متأسفانه عقلم به جایی نرسید. اما چون حدیثی از امام باقر نقل می کنند که فرمود: «لازمه تفقه در دین سؤال است» و حق سؤال کردن باید در همه جا اعم از خانه، مدرسه، دانشگاه و مراکز حکومتی محفوظ باشد.» به استناد این حدیث که اقلأ باید از نظر شما معتبر باشد به خود اجازه می دهم چند سؤال از شما درباره مطالب ذکر شده بنمایم و امیدوارم که شما جوابی برای آنها عطا بفرمائید.

در نامه ای که منتسب به اینشتاین می دانید به نام «بیانیه» وی اسلام را بر تمامی ادیان جهان ترجیح داده و آن را کاملترین و معقولترین دین دانسته. در این رابطه چند سؤال مطرح است:

(۱) مگر معتقد نیستید که شهادت فاسق اعتبار ندارد و نباید مورد قبول قرار گیرد؟ آیا به نظر شما قول یک یهودی مشروبخوار بی دین که به وجود خدا هم اعتقادی نداشت و از این نظر فاسق بوده است قابل قبول است؟

(۲) آیا اگر اینشتاین چنین اعتقادی داشته پس چرا مسلمان نشده است؟

(۳) این نامه در کجاست که تا کنون کسی ندیده است؟ بیانیه به صورت عام منتشر می شود. باید عامه مردم میدیدند. چرا فقط به دست یهودی عتیقه فروش رسیده بوده است؟

۴) آينشتاين با چه زباني با آقاي بروچردى مكاتبه مى كرده؟ آيا مى شود آن نامه ها را منتشر بفرمائيد؟

۵) آيا اينشتاين عربى مى دانسته و بحار الانوار را مطالعه كرده بوده است؟

۶) چرا نامه نگارى بايد محرمانه مى بود؟

۷) مى دانيم كه در زماني كه آينشتاين معروفيتى داشته آقاي بروچردى مرجع تقليد نبوده است. آيا بهتر نبود به جاي آقاي بروچردى آيت اله قمى و يا سيد ابوالحسن اصفهاني را مى نوشتيد؟

۸) مطالب نامه نه تنها كه نمى تواند از آينشتاين باشد از يك بچه مدرسه كه با فيزيك آشنائي مختصرى داشته هم بعيد به نظر مى رسد. ضمناً فرمول آينشتاين اشتباه نوشته شده. فرمول

به قرار زير است: $E=mc^2$ يعنى انرژى برابر است با جرم ضرب در سرعت نور به توان دو.

۹) آن نامه ذكر شده كه يك پروفيسور خيالى به نام ابراهيم مهدوى از يك عتيقه فروش يهودى خيالى به مبلغ سه ميليون دلار خريده به نظر حقير يا يهودى سر پروفيسور خيالى را كلاه گذاشته يا پروفيسور خيالى سر شما را شيره مالیده. نويسنده نامه قاعداً بايد مردم را فاقد عقل و شعور بداند كه مبادرت به نوشتن چنين نامه اى نموده است. اينگونه سخنان نه تنها كه به نفع ديانت مقدس اسلام نيست بلكه توهين به دين و عقل خوانندگان است. اميد است كه براى حفظ قداست كلام خدا از نشر چنين مطالبى پرهيزيد.

بهر روز به آئين ۷ ژانويه ۲۰۰۸